یادداشت

رویکرد شعاری به جایگاه آموزگاران

مهدی بهلولی . آموزگار و کنشگر صنفی

● در ایران کسی نیست که تاکنون چیزی از تعریف و تمجیدهای رسمی از آموزگاران نشنیده باشد. به‌ویژه در هفته معلم، پیام‌های زیادی شنیده می‌شود که همگی از جایگاه و شأن معلم و لزوم پاسداشت آن سخن می‌گویند. اما این رویکرد، بیش از این که در عمل خود را نشان دهد، زبانی و شعاری است. چند روز پیش سید محمد بطحایی، معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش‌وپرورش، درباره سهم آموزش‌وپرورش از بودجه کشور در طول سال‌های گذشته، از آمار مهم و بامعنایی سخن گفت که گواهی است روشن بر همین رویکرد زبانی و نه عملی و واقعی: «در کشور به دلیل ساختار سیاسی و نظام متمرکزی که هست فعلا تنها محل افزایش درآمد [آموزش‌وپرورش]، بودجه عمومی دولت است یعنی باید سهم خود را افزایش دهیم. امروز دولت نزدیک ۸۰ درصد از درآمدش را صرف حقوق و مزایای کارکنان رسمی، شاغل و بازنشسته‌اش می‌کند یعنی ۲۰ درصد فقط صرف کارهای عمرانی و زیرساخت‌ها می‌شود که زنگ خطر بسیار مهمی برای دولتمردان است. سهمی که آموزش‌وپرورش از دولت در سال‌های گذشته گرفته نوسان داشته است و از سال ۸۲ به بعد طی یک بررسی، بیشترین سهمی که دولت به آموزش‌وپرورش داده مربوط به سال ۸۵ و برابر ۱۵،۲ درصد بوده است. این میزان در سال ۸۲ برابر ۱۳ درصد و در سال ۸۴ به میزان ۱۵ درصد بوده است. از سال ۸۵ متأسفانه سال به سال این میزان کاهش یافته و در سال ۸۷ به ۱۲،۴ درصد رسیده است. در سال ۸۸ به ۱۲،۹ درصد و در سال ۹۲ به کمترین میزان یعنی ۹ درصد رسیده است. از سال ۹۲ این درصد سیر صعودی داشته و در سال ۹۴ به حدود ۱۱،۵ درصد رسیده است». کسانی که در چهار سال دولت دهم و ریاست حاجی‌بابایی بر وزات خانه آموزش‌وپرورش، خبرهای آموزشی را دنبال می‌کردند نیک به یاد دارند که آن سال‌ها، اوج تعریف و تمجیدهای وزیر آموزش‌وپرورش از فرهنگیان بود. به جرئت می‌توان گفت در آن چهار سال، هفته‌ای نبود که وزیر آموزش‌وپرورش از فرهنگیان و مقام شامخ آنان سخن نگوید. اما متأسفانه در همان زمان که به‌ویژه درآمدهای نفتی کشور در بالاترین میزان خود بود، سهم آموزش‌وپرورش از بودجه، سال به سال کاهش و حقوق فرهنگیان، درست برخلاف قانون خدمات کشوری، زیر تورم رسمی، افزایش سالانه می‌یافت. البته این فرایند کاهشی همواره مورد اعتراض فرهنگیان قرار گرفت اما هیچ‌گاه پاسخ درستی به انتقادها و اعتراض‌ها داده نشد. بارها و بارها بحث تولید ناخالص داخلی و سهم آموزش‌وپرورش از آن به میان آمد که هیچ‌گاه به آن توجه نشد. جا دارد که هم‌اکنون باز تکرار کنیم که در سطح جهان، بودجه آموزش‌وپرورش را با تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور می‌سنجند. میانگین این سهم در کشورهای توسعه‌یافته پیرامون پنج درصد است. در سطح منطقه نیز این سهم در دو کشور ترکیه و عربستان پیرامون چهار درصد است. اما در ایران در حدود یک و نیم درصد است. درخور درنگ این که سهم یک درصدی آموزش‌وپرورش از تولید ناخالص داخلی، به فقیرترین کشورهای جهان تعلق دارد. در آغاز هفته معلم هستیم. شایسته است که کارگزاران و فرادستان کشور، بیش از اندیشه به صفت‌های زیبا در وصف آموزگاران، در اندیشه بزرگداشت راستین جایگاه اجتماعی و ضروریات آنان باشند.

گزارشی از یک مدرسه خودگردان افغانستانی‌های مقیم ایران

هر کجا مرز کشیدند شما پل بزنید*

فائزه حاجی‌آبادی

تابلو مدرسه را که می‌بینم، می‌فهمم چرا هیچ‌کس در خیابان شوش، مدرسه آل‌احمد را نمی‌شناسد. ساختمان پیر و افسرده‌اش دقیقا بر خیابان است. فقط پنج کلاس درس دارد. در و دیوار پر است از شعارهایی که بچه‌ها را آینده‌ساز افغانستان خطاب کرده است. زنگ تفریح است. فرشته‌های کوچک دبستانی از سروکول هم بالا می‌روند. مدیر و معلمان مدرسه بسیار خوش‌برخورد هستند. اجازه می‌گیرم یک ساعت را با بچه‌ها باشم. به کلاس‌ها که سر می‌زنم، پرچم افغانستان روی دیوار هرکدامشان هست. تمام کلاس‌ها پرجمعیت است و درعین‌حال فضای کوچکی دارد. حدود ۳۰ نفر از بچه‌ها در کلاسی جمع می‌شوند. مشتاق هستند بدانند برای چه آمده‌ام. فرزاد کاظمی، شیرین‌زبان و باهوش است. کلاس را در دست دارد. می‌پرسم در ذهنت آینده چه شکلی است؟ با لحن مردانه‌ای می‌گوید پولدار هستم. می‌گویم در ایران هستی یا افغانستان؟ خیلی مطمئن می‌گوید خارج، آمریکا. به افغانستان هرگز نمی‌روم چون جنگ است، کشته می‌شوم. ایران را هم دوست ندارم می‌ترسم معتاد شوم. آن‌وقت می‌گویند بی‌غیرت و بی‌جنبه‌ای! مژده جعفری دختر پرجنب‌وجوشی است. مثل همه بچه‌ها، دوست دارد پزشک شود اما نه در ایران. مژده هم می‌خواهد به خارج برود.

بغل‌دستی مژده، مهناز امیری است. با آن چشم‌های سبز زیبایش و خجالتی در صدا، می‌گوید من پزشک قلب می‌شوم. می‌خواهم به آلمان بروم. نورالحق مردانی در رؤیاهایش فوتبالیستی در آلمان است که ماشینی بدون سقف سوار می‌شود.

شریف سهرابی قرار است ملا شود و به افغانستان برود. محمدرضا رحمانی هم مهندسی می‌شود که برای کشورش افغانستان خدمت می‌کند.

انتخاب قریب‌به‌اتفاق بچه‌ها نه ایران و نه افغانستان، بلکه خارج است. وقتی پرسیدم کدامتان می‌خواهد برود خارج، هیاهوی عظیمی برای دست‌بالاگرفتن به پا می‌شود. خارج برایشان بهشت رؤیاهاست. در این میان، فردین ساکت و مؤدب زیاد در بحث شرکت نمی‌کند. فقط می‌گوید پیش بچه‌های ایران احساس می‌کند با آنها فرق دارد. معلمش به من اشاره می‌کند فردین تازه از افغانستان آمده است. از بچه‌ها کسانی هم هستند که مادرشان ایرانی است ولی چون شناسنامه ندارند، ترجیح دادند در مدرسه افغانستانی‌ها درس بخوانند. مدرسه آل‌احمد تحت مجوز سفارت افغانستان است و با هماهنگی آموزش‌وپرورش ایران فعالیت می‌کند.

تفکیک جنسیت، اجباری و هزینه‌بر

حمید فراهانی، مدیر سابق خانه کودک شوش و فعال اجتماعی است. وسایل کمک‌آموزشی برای مدارس افغانستانی تهیه می‌کند. می‌گوید مدارس خودگردان افغانستانی فقط در تهران و اغلب در مناطق جنوبی تهران هستند. علاوه‌بر این فعالان فرهنگی افغانستانی‌ای هم هستند که به خاطر نداشتن امکانات برای راه‌اندازی مدرسه، به تعداد کمی از بچه‌ها در منازل خود یا منازل بچه‌ها درس می‌دهند. از نظر قانونی تا سال گذشته تأسیس مدارس خودگردان ممنوع بوده؛ اما از سال قبل بخش اداره مدارس خارجه وزارت آموزش‌وپرورش به یک‌سری از این مدارس مجوز داده است. برای گرفتن مجوز علاوه بر دوندگی و کاغذبازی‌های فراوان، یک‌سری مشخصه‌ها مثل تفکیک جنسیتی هم اجباری است. این تفکیک جنسیت برای مدارس خودگردان بسیار هزینه‌بر است چون جمعیت افغانستانی‌ها در نقاط مختلف پراکنده است و گاهی کلاس‌های تفکیک‌شده به حد نصاب جمعیت نمی‌رسد و تشکیل یک کلاس مختص پسران و دختران در دو اتاق مجزا، هم مکان و هم معلم مضاعف می‌خواهد. نتیجه افزایش هزینه‌ها، متأسفانه محروم‌شدن عده‌ای از این کودکان از تحصیل می‌شود.

از فراهانی درباره وضعیت کودکان افغانستانی در مدارس ایران می‌پرسم، می‌گوید در ارزیابی کلی، اصلا وضعیت مناسبی ندارند. این وضعیت نابرابر گاهی توسط رسانه‌ها و نشریات زرد هم دامن زده می‌شود. خصوصا برخی نشریات زرد در مواردی، اتفاقاتی از قبیل قتل و تجاوز را به افغانستانی‌ها نسبت داده‌اند. همچنین الزام پرداخت شهریه آنها که برای خیلی از خانواده‌های افغانستانی سنگین است و توان مالی‌اش را ندارند. دولت امسال وعده داده بود از دانش‌آموزان افغانستانی شهریه‌ای دریافت نکند و آنها را مثل دانش‌آموزان عادی ثبت‌نام کند اما چنین نشد و حتی رقم امسال دو برابر سال گذشته اعلام شده است. این فعال حقوق کودکان می‌گوید وقتی دولت مصوبه‌هایی را در مورد منع اشتغال و سکونت افغانستانی‌ها تصویب می‌کند، مسلما وضعیت و نگاه نابرابر در مدرسه‌ها را هم به دنبال دارد.

> **آنیتا تذکر می‌دهد کلمه افغانی و افغان واحد شمارش پول در افغانستان است. در ایران هم افغانی برای تحقیر استفاده می‌شود و باید همگی برای جایگزین‌کردن افغانستانی به جای افغان و افغانی سهیم شویم. آنیتا از قانونی می‌گوید در اواخر سال ۸۲ در ایران تصویب‌شده و پس از آن دانش‌آموزان افغانستانی حق تحصیل در مدارس ایران را پیدا کرده‌اند**

رؤیای درس و کار

منزلش حوالی دروازه‌غار است. ۱۵ سال است افغانستانی‌های مقیم ایران را آموزش می‌دهد. عبدالرحیم رحیمی، فارغ‌التحصیل دانشگاه افغانستان است. پس از مهاجرت به ایران به بی‌سوادان هم‌وطنش اعم از کودک و بزرگسال در کلاس‌هایی که خودش دایر می‌کند، درس می‌دهد. با میهمان‌نوازی وصف‌ناشدنی‌اش ما را به منزلش می‌برد. از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش می‌گوید. از تیم فوتبالی که تشکیل داده. از پول‌هایی که با کمک‌های افغانستانی‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه‌اش جمع می‌کند تا وسایل آموزشی و ورزشی برای آنها تهیه کند. ساعت که به شش عصر نزدیک می‌شود، شاگردانش کم‌کم پیدا می‌شوند. ساختمان کناری منزلش را برای کلاس درس اجاره کرده است. می‌پرسم چقدر از هر دانش‌آموزتان شهریه می‌گیرید؛ می‌گوید «هرکس براساس توان مالی‌اش کمک می‌کند. مثلا ۱۰ هزار تومان تا ۳۰، ۴۰ هزار تومان برای هر ماه».

به کلاس درس می‌رویم. تعداد دانش‌آموزان ۴۰ نفر است. در کلاس، همه مقاطع تحصیلی را درس می‌دهد. از شش، هفت‌ساله تا ۳۰ ساله. همه در روز کار می‌کنند و عصر به کلاس درس می‌آیند. بیشترشان در بازار مشغول هستند. رحیمی درباره تعاملش با شهرداری منطقه و فعالیت‌هایی که در این مورد داشته می‌گوید: «من در جلساتی که شهردار و معاونش حضور دارند هم شرکت کردم تا بتوانم امکاناتی را برای هم‌وطنانم فراهم کنم. تیم فوتبالی که با بچه‌ها تشکیل دادیم با تیم‌های ایرانی هر سال بازی دارد. این فعالیت‌های ورزشی باعث می‌شود بچه‌ها دچار افسردگی نشوند و به سمت مواد مخدر که در این منطقه به‌وفور یافت می‌شود، نروند». رحیمی اشاره می‌کند تیمی که تشکیل داده‌اند پارسال در ورزشگاه آزادی بازی داشته است و تعدادی از بچه‌های تیم فوتبال به تیم ملی افغانستان هم راه یافته‌اند.

از دانش‌آموزانی که او آموزش داده تعدادی در دانشگاه‌های ایران مشغول به تحصیل هستند. از کسانی یاد می‌کند که مثلا ۱۰ساله بوده‌اند و سواد نداشتند. خودش آنها را در یک سال تا کلاس چهارم آموزش داده است، بعد به مدارس ایرانی رفته‌اند. امتحان داده و در کلاس پنجم قبول شده‌اند. او از وضعیت کودکان افغانستانی گله‌مند است که در ایران به دنیا آمده‌اند، مادر ایرانی دارند، اما تابعیت ایرانی ندارند و این موضوع موانعی را برای تحصیل‌شان ایجاد کرده است.

ایرانی یا افغانستانی

به دنبال شنیدن تجربه زندگی یک مهاجر افغانستانی که هم‌اکنون در دانشگاه ایران تحصیل می‌کند، به آنیتا صدیقی برمی‌خورم. آنیتا، دختر ۲۲ساله‌ای است که از سه‌سالگی در ایران زندگی و تحصیل می‌کند و در شهر کتاب شاغل است. لحنی به‌شدت محکم و تأثیرگذار دارد. قدرتی در کلامش هست که در کمتر دختر ۲۲ساله‌ای دیده‌ام. می‌گوید فعال حقوق کودکان افغانستانی است. به من تذکر می‌دهد کلمه افغانی و افغان واحد شمارش پول در افغانستان است. برای یک فرد باید از کلمه افغانستانی استفاده کنم. در ایران هم گاهی افغانی برای تحقیر استفاده می‌شود و باید همگی برای جایگزین‌کردن افغانستانی به جای افغان و افغانی سهیم شویم. آنیتا از قانونی می‌گوید که در اواخر سال ۸۲ در ایران تصویب‌شده و پس از آن دانش‌آموزان افغانستانی حق تحصیل در مدارس ایران را پیدا کرده‌اند:

«قبل از اینکه افغانستانی‌ها را در مدارس ایران بپذیرند، من و چند نفر دیگر در طبقه پایین خانه ما درس می‌خواندیم. مادرم خانم همسایه‌مان را راضی کرده بود به ما درس بدهد. سه سال اول این‌گونه گذشت تا توانستم به یک انجمن که در آن سال‌ها تأسیس شده بود، بروم و تحصیلات دوره ابتدایی خود را کامل کنم».

در ادامه آنیتا از اصرار خانواده‌اش به تحصیل در مدارس ایرانی می‌گوید و اینکه بالاخره در سال ۸۵ وارد مدرسه دولتی شده و شروع به تحصیل در کنار بچه‌های ایرانی می‌کند: «در مدرسه ایرانی برای مقطع راهنمایی ثبت‌نام کردم. از آن به بعد هر سال باید همراه خانواده‌ام یک هفته در آموزش‌وپرورش دوندگی می‌کردم تا نامه‌ای بگیرم که با آن ثبت‌نامم کنند. علاوه‌براین هرسال خانواده‌های ما باید هزینه‌ای متحمل می‌شدند که بسیاری از ما از عهده آن برنمی‌آمدیم. در دوران دبیرستان من و هفت، هشت نفر از همشاگردی‌های افغانستانی‌ام که عملا یک تیم شده بودیم، تحمل تبعیض‌ها و نگاه‌های متفاوت را در مدرسه نداشتیم؛ بنابراین تصمیم گرفتیم به یک مدرسه دیگر که متعلق به اقلیت‌های مذهبی است برویم، چون خود ما هم اهل سنت هستیم».

از آنیتا درباره دانشگاه که می‌پرسم، می‌گوید دانش‌آموزان افغانستانی برای شرکت در کنکور شرط معدل دارند. برای رشته انسانی نمره ۱۵ و تجربی و ریاضی ۱۴ در نظر گرفته شده است و در صورت نداشتن این معدل، افغانستانی‌ها اجازه شرکت در کنکور را ندارند. در صورت پذیرش در دانشگاه‌های سراسری هم ملزم به پرداخت ۸۰ درصد هزینه دانشجویان شبانه هستند. «در سال ۹۲ در دانشگاه آزاد تهران مرکز، رشته روان‌شناسی بالینی قبول شدم. زمانی که یک افغانستانی در دانشگاه پذیرفته می‌شود، کارت اقامتش باطل و باید ویزای تحصیلی به دانشگاه ارائه کند. من باید هرسال به افغانستان بروم، ویزای تحصیلی‌ام را تمدید کنم و این پروسه‌ای زمان‌بر و هزینه‌بر است».

آنیتا به موضوعی اشاره می‌کند که بسیار عجیب و نشان آشکاری از خلأ قانون درباره پناهندگان افغانستانی است. او می‌گوید: «پس از پایان دوره لیسانس ویزای چهارساله تحصیلی‌ام باطل می‌شود و باید به افغانستان بازگردم. فقط در صورتی ویزا تمدید می‌شود که در مقاطع بالاتر قبول شوم».

وی دیگر نمی‌تواند کارت اقامت سابقش را هم داشته باشد؛ درصورتی‌که از سه‌سالگی در ایران است و خانواده‌اش هم در ایران زندگی می‌کنند.

او می‌گوید: «بعد از دوره تحصیلی باید به افغانستان برگردیم؛ درحالی‌که هیچ‌کداممان تصویری هم از افغانستان نداریم و سال‌هاست در ایران زندگی می‌کنیم. به نظر من وطن آنجاست که انسان سال‌هاست در آن زندگی می‌کند».

آنیتا می‌گوید حتی کارت‌های اقامت هم هیچ حقی ایجاد نمی‌کند. حتی یک افغانستانی دارای کارت اقامت هم از حقوق اولیه یک پناهنده مثل حق مالکیت و بیمه محروم است و حتی حق خرید یک سیم‌کارت معمولی تلفن همراه به اسم خودش را هم ندارد.

این فعال حقوق کودکان افغانستانی، بزرگ‌ترین مشکل این کودکان را هویت آنها می‌داند و اشاره می‌کند: «بیشتر کودکان افغانستانی که در مدارس ایرانی تحصیل می‌کنند از گفتن هویت افغانستانی خود خودداری می‌کنند. خصوصا آنها که چهره معمول افغانستانی ندارند. این موضوع بعدها در محیط اجتماعی و کار هم ادامه پیدا می‌کند و این ناشی از تفاوت نگاهی است که در مدارس و جامعه به افغانستانی‌ها وجود دارد. این تحقیر آن‌قدر ریشه‌دار است که حتی در محیط‌های فرهنگی و گاهی از زبان کسانی که داعیه روشنفکری هم دارند اعمال می‌شود».

ادامه در صفحه ۱۷

خبر

بازگشت ۷۳ قطعه اشیای باستانی از آمریکا به ایران

● **شرق:** ۷۳ قلم اشیای تاریخی دوره ساسانیان که از سوی دولت آمریکا به جمهوری اسلامی ایران عودت داده شده است، بعدازظهر ۱۹ اردیبهشت از سوی وزارت امور خارجه به موزه ملی کشورمان تحویل داده شد. این اشیای تاریخی شامل ۷۳ «گل‌مهره» دوره ساسانی که اکثر آنها از سلامت فیزیکی برخوردار هستند، به رئیس موزه ملی ایران تحویل داده شد. گفتنی است این اشیا که عموما به صورت قاچاق از کشورمان خارج شده بودند، به نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در نیویورک تحویل داده شدند و پس از آن با هماهنگی وزارت امور خارجه به کشورمان منتقل شدند. این چهارمین محموله اشیای تاریخی است که در دو سال اخیر از خارج از ایران به کشور بازگردانده می‌شود. اولین محموله تاریخی شامل ۳۴۹ قلم شیء باستانی متعلق به منطقه خوروین در دی‌ماه ۱۳۹۳ بعد از چند دهه دعوای حقوقی، از بلژیک به ایران بازگردانده شد. دومین محموله ارزشمند تاریخی؛ حاوی ۱۰۸ شیء تاریخی منطقه چغامیش از سوی مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در اردیبهشت ۹۴ به مسئولان سازمان میراث فرهنگی تحویل داده شد. سومین محموله اشیای تاریخی ایران، شامل ۳۰ قطعه از اشیا و آثار فرهنگی متعلق به دوران قبل و پس از اسلام توسط دولت ایتالیا تحویل سفارت ایران در رم شد. اکنون با تحویل ۷۳ قلم شیء تاریخی باارزش از سوی آمریکا به ایران، روند بازگشت اشیای تاریخی به کشور شدت گرفته است. این محموله از نظر باستان‌شناسی دارای ارزش بسیار بالایی است و از نظر کارشناسان موزه ملی ایران، دارای اصالت تاریخی بوده و از سلامت و صحت برخوردار است. این اشیا از قدمتی حدود ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ سال برخوردار هستند.

خاکریز مرزی در ۵۰ نقطه تالاب هامون برداشته شد

● مدیرکل حفاظت محیط‌زیست سیستان‌و بلوچستان از بازگشایی موانع ورودی آب به تالاب هامون در ۵۰ نقطه دایک مرزی خبر داد. سعید محمودی این اقدام را اجرای مصوبه جلسه مشترک معاون امنیتی انتظامی وزارت کشور، دبیر کارگروه ویژه مرزی شورای امنیت کشور و معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط‌زیست که اسفند ماه گذشته برگزار شد، عنوان کرد و افزود: برداشته‌شدن دایک مرزی در ۵۰ نقطه موردنظر تا فاصله ۲۵ کیلومتر بیانگر نگاه مثبت وزارت کشور و مسئولان دولت در خصوص اهمیت مسائل زیست‌محیطی به‌ویژه احیای تالاب هامون و همچنین برقراری نظم و امنیت پایدار است. وی تأکید کرد: با برداشته‌شدن دایک مرزی موجود در بستر تالاب هامون، هیچ مانعی برای ورود آب به تالاب وجود ندارد. مدیرکل حفاظت محیط‌زیست سیستان‌وبلوچستان ادامه داد: برنامه‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست همچون حذف دایک مرزی، تهیه برنامه جامع مدیریت یکپارچه تالاب هامون، ثبت تالاب در سازمان جهانی یونسکو به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست‌کره، مطالعات علمی و میدانی، لایروبی مسیرهای منتهی تالاب و ده‌ها برنامه و اقدام دیگر در کنار مدیریت درست منابع آبی موجود در چاه‌نیمه‌ها، راه را برای احیای تالاب هامون هموار کرده است.

جدول ۲۵۳۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- شکوه و جلال- ماشینی که کارهایی را به طور خودکار انجام می‌دهد- آنچه اتفاق می‌افتد ۲- مرد مسن و قابل احترام- برق را از کوئل به دلکو می‌رساند- یازده ۳- کنایه از در حسرت و ناکامی مردن است ۴- بایگانی- قاضی ورزشی- نوزاد ۵- ناپسند- بازدارنده- مار افسانه‌ای ۶- صندلی دندان‌پزشکی- غذایی از گوشت چرخ‌کرده و سیب زمینی- نقشه انگلیسی ۷- مار خورده... شده- سیاره زهره- زن زیبا ۸- پایین کوه- از الفبای زبان یونانی ۹- دزد سر گردنه- سخنور- واحد پول مشترک کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۱۰- صفحه شبکه اینترنت- نشانی- گلی زیبا ۱۱- ناشایست- قوم مغول- مردن از غصه ۱۲- دائم‌الوجود- مرگ- پایان و آخر ۱۳- از آثار سینمایی مطرح جوزیه تورناتوره، فیلم‌ساز شهیر ایتالیایی ۱۴- بله آلمانی- منزل آذری- ماده سمی ضد بید ۱۵- وسایل- نیکوکار - عیدانه.

عمودی:

۱- آب هدررفته- حیثیت- پنج دندان عقب دهان ۲- حرف دهن‌کجی- مجموعه نغمات یک دستگاه موسیقی- فرماندار کوفه در عهد امام حسین (ع) ۳- خنده‌رو- قول و قرار- نوعی آچار سرکج ۴- سرایت‌کردن- مادر اختراع است- علم شعبده‌بازی ۵- افزایش- رمانی نوشته رضا امیرخانی- خارج از محدوده تعیین‌شده محوطه بازی ۶- کامیون ارتشی- کوره گچ‌پزی- خودروی کوچک برای حمل مصالح ساختمانی ۷- بلدرچین- روز عرب- عزاداری ۸- شعر کوتاه ژاپنی- عمامه ۹- کشور آفریقایی در همسایگی غنا- آرامش‌یافتن- میکروب کزاز ۱۰- رشته کوهی که آسیا را از اروپا جدا می‌کند- پسران عرب- خاکسپاری ۱۱- سالخورده- بهامهر- منتقل‌شدن بیماری ۱۲- از محلات قدیمی شمال تهران- پشتکار- زدوخورد ۱۳- از اندام تنفسی بدن- دسته هاون- دوستی با دوستان خدا ۱۴- ورقه حاوی حکم صادره از سوی دادگاه- ابزار نجاری - عنصری که به نمک می‌زنند ۱۵- از یاران امام‌حسین(ع)- کنار- شاعر قصیده سرای عهد قاجار.

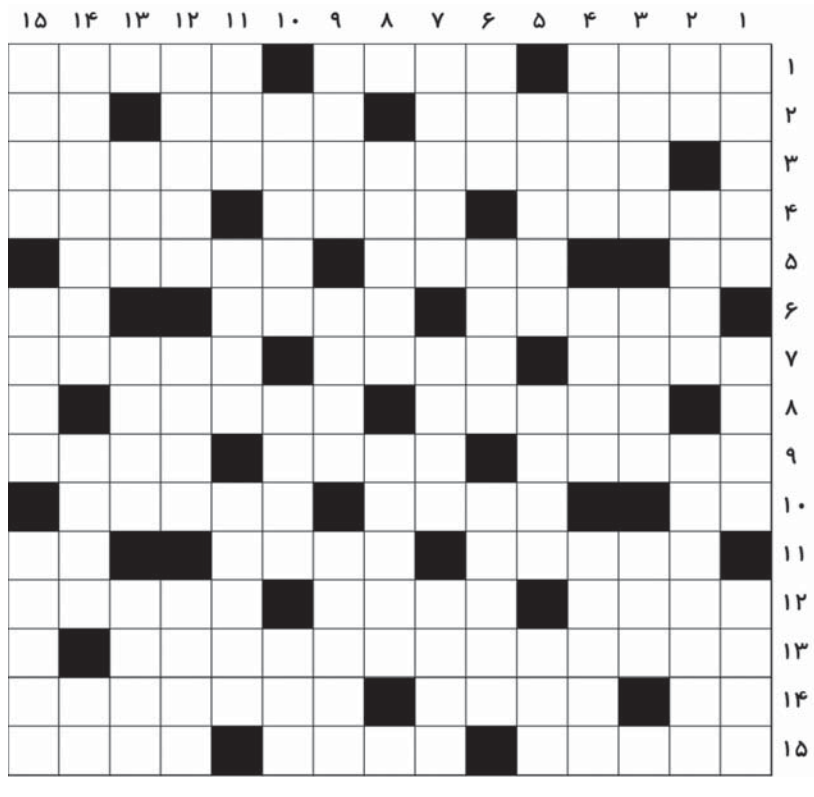

حل سودوکو سخت

۹	۲	۳	۴	۵	۱	۶	۷	۸
۱	۶	۸	۷	۹	۳	۵	۴	۲
۴	۵	۷	۸	۶	۲	۹	۳	۱
۲	۳	۵	۶	۸	۴	۱	۹	۷
۶	۷	۱	۳	۲	۹	۸	۵	۴
۸	۹	۴	۵	۱	۷	۲	۶	۳
۳	۸	۶	۲	۴	۵	۷	۱	۹
۵	۴	۹	۱	۷	۸	۳	۲	۶
۷	۱	۲	۹	۳	۶	۴	۸	۵

حل سودوکو ۱۵۳۵

۸	۱	۲	۶	۷	۴	۳	۹	۵
۵	۴	۷	۹	۳	۸	۱	۲	۶
۳	۶	۹	۵	۲	۱	۸	۴	۷
۴	۸	۵	۷	۶	۹	۲	۳	۱
۷	۳	۶	۱	۸	۲	۹	۵	۴
۹	۲	۱	۳	۴	۵	۷	۶	۸
۶	۹	۸	۲	۵	۷	۴	۱	۳
۲	۵	۴	۸	۱	۳	۶	۷	۹
۱	۷	۳	۴	۹	۶	۵	۸	۲

جدول ۲۵۳۸

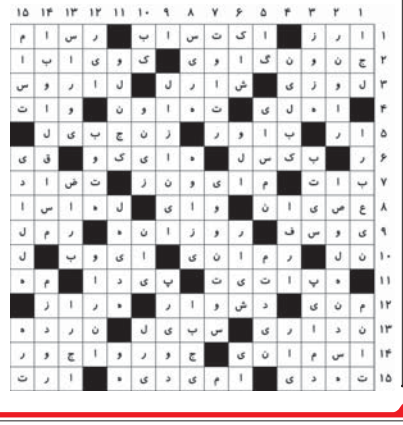

سودوکو سخت ۱۵۳۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲	۵			۳		۶		
۸	۶					۱		۴
				۲		۳	۷	۵
۴			۷	۱				
	۱		۲	۸				
	۷		۳				۹	
۷				۶		۹	۱	
	۸					۵		
۶				۹			۴	

سودوکو ۱۵۳۶

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۵	۳			۱		۸	
	۸	۱	۴					۹
		۴	۵		۲			۷
			۳	۹	۵		۲	
۳		۸	۷	۴			۱	۵
	۹	۶				۷		
۸	۳	۵		۷		۶		
			۶	۵	۹	۳		۸
۶	۷	۹						۴